

Identifying myths and mental schemas shaping international scientific collaborations in Iran's higher education system with emphasis on Jung's archetypal method

Shahram Mehravar Giglou¹, Ali Khorsandi Taskoh², Saeed Ghiathi Nadushan³, Abbas Abbaspour⁴

1. PhD in Higher Education Management, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Management and Educational Planning, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of Educational Management and Planning Department, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

4. Professor of the Department of Management and Educational Planning, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: Shahram Mehravar Giglou, E-mail: shahramm27@gmail.com

Abstract

Background and Aim: The development of international scientific activities is one of the main concerns of the world's top universities in order to improve quality, branding and increase credibility. In this regard, the present research has been conducted with the aim of identifying the myths and mental schemas that shape international scientific collaborations in the country's higher education system.

Methods: The current research has been carried out in terms of practical purpose and using descriptive-analytical qualitative research method. The target group of the current research was the existing documents in this field. which was selected as a research sample using the purposeful sampling method of existing articles, books and documents. The tool of data collection was taking notes and reviewing documents. Mythological method was used for data analysis with emphasis on Jung's archetypal concept.

Results: Based on the findings of the research, xenophobia and conspiracy illusion were identified as myths that shape international scientific cooperation in the country's higher education system.

Conclusion: The internationalization of higher education in countries firstly requires constructive communication, interaction and dynamic and constructive scientific cooperation with the outside world. In this regard, it is suggested that the negative background towards international interactions, such as xenophobia and illusion of conspiracy, should be removed carefully and considering the national interests of the country.

Keywords: Higher education, myth, archetype, international scientific collaborations, internationalization.

Received: 2023/04/25

Accepted: 2023/06/06

شناسایی اسطوره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی شکل‌دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور با تاکید بر روش کهن الگوی یونگ

شهرام مهر‌آور گیگلو^۱، علی خورسندی طاسکوه^۲، سعید غیاثی ندوشن^۳، عباس عباس‌پور^۴

۱. دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: شهرام مهر‌آور گیگلو، رایانامه: [E-mail: shahramm27@gmail.com](mailto:shahramm27@gmail.com)

چکیده

زمینه و هدف: توسعه فعالیت‌های علمی بین‌المللی، یکی از دغدغه‌های اصلی دانشگاه‌های برتر جهان در راستای بهبود کیفیت، برندسازی و افزایش اعتبار است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی اسطوره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی شکل‌دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور انجام گرفته شده است.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و با استفاده از روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گروه هدف پژوهش حاضر نیز اسناد و مدارک موجود در این حوزه بود. که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مقالات، کتاب‌ها و اسناد موجود به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها نیز یادداشت برداری و مرور اسناد بود. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش اسطوره‌شناسی با تاکید بر مفهوم کهن الگوی یونگ استفاده گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش بیگانه‌هراسی و توهم توطئه به عنوان اسطوره‌های شکل‌دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: بین‌المللی شدن آموزش عالی در کشورها در درجه اول به ارتباط سازنده، تعامل و همکاری علمی پویا و سازنده با جهان خارج نیاز دارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که پیش‌زمینه‌های منفی نسبت به تعاملات بین‌المللی از قبیل بیگانه‌هراسی و توهم توطئه با احتیاط و با در نظر گرفتن منافع ملی کشور برطرف گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، اسطوره، کهن الگو، همکاری علمی بین‌المللی، بین‌المللی شدن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

مقدمه

امروزه بین‌المللی شدن در آموزش عالی وارد مرحله جدیدی شده و از بین‌المللی شدن در خارج از کشور با تمرکز بر روی جامعه کوچکی از تحرک دانشجویان، اعضای هیئت علمی، مدیران و برنامه‌ها به سمت بین‌المللی سازی در داخل برای همه اعضای جامعه دانشگاهی، تغییر شکل داده است (آلتباخ و دی‌وایت؛ ۲۰۲۱). با توجه به نقش بین‌المللی سازی در حل مسائل جهانی (دی‌وایت و آلتباخ، ۲۰۲۰) و افزایش سهم بین‌المللی شدن در حل مسائل جامعه (براندنبورگ و همکاران، ۲۰۲۰) و در راستای پیوند جهانی با محلی اهمیت بین‌المللی سازی آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین طی دو دهه گذشته، بودجه و نتایج تحقیق و توسعه (تحقیق و توسعه) به طور مداوم در سراسر جهان و در سراسر علوم افزایش یافته است (ان اس بی، ان اس اف؛ ۲۰۱۹). همچنین روند افزایش تحقیقات مشترک بین‌المللی منعکس کننده افزایش سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه از ۷۲۲ میلیارد دلار به ۲ تریلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۱۷ است. و همچنین پیشرفت در فناوری اطلاعات به دانشمندان امکان دسترسی آسان به انتشارات و برقراری ارتباط موثرتر از طریق ایمیل، کنفرانس ویدئویی و اسناد قابل اشتراک آنلاین را داده است (ان اس بی، ان اس اف، ۲۰۲۰). افزایش حق اشتراک تنها شاخص همکاری بین‌المللی نیست. با این حال، این امر نشان دهنده تقویت شبکه‌های علمی خود سازماندهی شده جهانی است (سی؛ ۲۰۱۹).

در ادبیات گسترده بین‌المللی سازی آموزش عالی، مبادلات دانشگاهی مدتهاست که نقش محوری در ساختارها و عملکردهای آموزش عالی، به ویژه در کشورهای اروپایی، ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزیلند را ایفا می‌کند. در مقابل، مطالعات مربوط به این پدیده در آسیا از نظر تاریخی کمتر مورد توجه بوده است (چو و چینگ؛ ۲۰۲۰). نقش همکاری‌های علمی بین‌المللی با توجه به تغییرات به وجود آمده در نظام‌های آموزش عالی برجسته تر شده است. همکاری‌های علمی بین‌المللی ابزاری توانمند در جهت ارتقای کیفیت و مشاهده‌پذیری بالا در زمینه تولید دانش نظری و کاربردی در مراکز علمی به حساب می‌آید و در واقع پاسخی به فشارها و الگوهای جهانی شدن در زمینه حفظ کارایی، بهره‌وری و سطح علمی در عرصه جهانی خواهد بود. همچنین همکاری‌های علمی بین‌المللی عنصر مهمی در رشد و توسعه علمی کشورها محسوب می‌شود (زارع بناد کودکی، ۱۳۹۸). توسعه پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی و مبادلات علمی بین‌المللی از مهم‌ترین راهبردهای دانشگاه‌ها در زمینه بین‌المللی سازی آموزش عالی محسوب می‌شود (موداربک‌اوا و کاشیکین بایوا؛ ۲۰۱۴) ارتباطات علمی بین‌المللی و همکاری چندجانبه با دانشگاه‌های دیگر نیز نقش تاثیرگذاری در بین‌المللی سازی آموزش عالی دارد (روزیدا؛ ۲۰۲۰).

1. Altbach & de Wit

2. Brandenburg

3. NSB, NSF

4. See

5. Chou & Ching

6. Maudarbekova & Kashkinbayeva

7. Rosyidah

یافته‌های پژوهش ماتاوس^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که، استانداردهای آکادمیک: ناسازگاری در رقابت‌ها، شدت کار و شرایط اقلیمی دانشگاه؛ به اشتراک گذاری مواد و داده‌ها؛ کنترل‌ها، اشتراک گذاری داده‌ها، نمونه‌ها و تجهیزات را ممنوع می‌کند؛ بوروکراسی: سلسله مراتب و سیاست کثیف در سیستم‌های مدیریتی ارگان‌های محلی و فدرال؛ ارتباطات: مشکلات در برقراری ارتباطات از طریق ایمیل، تلفن یا ویدیو؛ فقدان حمایت نهادی: عدم حمایت یا حتی مخالفت با مشارکت محققان یا موسسات در همکاری‌های بین‌المللی؛ کمبود فرصت‌ها: عدم فعالیت‌های علمی (سمینارها یا کنفرانس‌ها) و دعوت‌نامه‌های برای ارائه تحقیقات در بسترهای بین‌المللی، ناسیونالیسم: تعصب گزارش شده یا تصور شده نسبت به کار با یک منطقه یا کشور خاص و عامل جغرافیا: مسافت‌های طولانی بین پژوهشگران از موانع اصلی در همکاری‌های علمی بین‌المللی است. یافته‌های پژوهش هوکومان^۲ و همکاران (۲۰۱۳)؛ سی (۲۰۱۹)؛ آرونس^۳ و همکاران (۲۰۱۹) و ویدمر، ویدمر و لرمان^۴ (۲۰۱۵) نیز حاکی از آن است که موانع فرهنگی و سیاسی، مهم‌ترین مانع در بحث همکاری‌های علمی بین‌المللی است. تحقیقات دیگر نیز به تاثیر زبان بر توانایی محققان در تعامل و همکاری اشاره دارد (وارد و سوئت ول^۵؛ ۲۰۲۱؛ وهرلت^۶؛ ۲۰۲۰؛ هوانگ^۷؛ ۲۰۱۳).

همکاری‌های علمی بین‌المللی در ایران نیز از سائقه دیرینه‌ای برخوردار است طوری که در گذشته ایران در عرصه علم و فناوری مهد رجوع اندیشمندان جهان بوده و بسیاری از موفقیت‌های گذشته آن با شکل‌گیری چنین ارتباطی بوده که به تحکیم روابط با همسایگان و قدرت‌های سیاسی و علمی جهان منجر شده است؛ اما طی دوران، این ارتباط کمتر شده و در حال حاضر دانشگاه‌های ایران، به دلیل شرایط مذهبی فرهنگی و سیاست‌های خاص بین‌المللی و ماهیت انقلابی و خوی استکباری انقلاب اسلامی، با چالش‌های فراوانی در این خصوص مواجه‌اند. سالانه خیل عظیمی از سرمایه‌های انسانی کشور، جلای وطن کرده و اعزام کشورهای مختلف می‌شوند و برنامه‌ی جامعی برای اعزام، بازگشت و یا جبران خروج آنها از طریق تبادل دانشجو و ... وجود ندارد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۷). بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران در دهه‌های اخیر با اعزام دانشجویان و اساتید به کشورهای توسعه‌یافته شروع شده است؛ اما بین‌المللی‌سازی در آموزش عالی ایران همواره با چالش‌ها و محدودیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبرو بوده است و برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگاری‌های لازم جهت حرکت به سمت بین‌المللی‌شدن آنچنان که شایسته است، انجام نشده است. عوامل یاد شده و ضعف در نگرش و عدم تفکر آینده‌نگری در بینش مدیران آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور موجب شده است که فرایند بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌های کشور فقط در حد تئوری بماند و در سطح علمي‌اتی هنوز اقدامات خاصی صورت نگرفته است. از جمله شرایط و پیش‌زمینه‌های لازم برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سطح کلان حمایت دولت، نهادهای قانون‌گذار و سیاست‌گذار در زمینه آموزش عالی است. در سطح دانشگاه نیز وجود استقلال دانشگاهی و آزادی علمی از جمله شرایط اساسی برای بین‌المللی‌شدن در دانشگاه‌هاست (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵). در کشور ما در سطح دولتی حمایت لازم از دانشگاه‌ها برای بین‌المللی‌شدن صورت نمی‌گیرد و در سطح دانشگاه

1. Matthews

2. Hoekman

3. Aarons

4. Widmer, Widmer & Lerman

5. Ward & Southwell

6. Wöhlert

7. Hwang

نیز مدیران دانشگاه از دانش بین‌المللی برخوردار نیستند و در برنامه‌ها و طرح‌هایشان اهمیت زیادی به بین‌المللی‌سازی دانشگاه نشان نمی‌دهند و هنوز هم از مزایا و منافع حاصل از بین‌المللی‌شدن آموزش عالی آگاه نیستند.

با در نظر گرفتن موارد یاد شده و همچنین جهانی‌شدن آموزش عالی، دانشگاه‌های کشور برای مقابله با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن آموزش عالی و ماندن در محیط رقابتی ناگزیر به همکاری‌های علمی بین‌المللی جهت رشد و پیشرفت خود هستند. از طرف دیگر با توجه به اینکه دانشگاه‌ها بازتاب پیشرفت و توسعه سرمایه انسانی محسوب می‌شوند، متأثر از رویدادهای بین‌المللی و جهانی‌شدن هستند. دانشگاه‌های برتر جهان امروزه به دنبال تقویت مبادلات علمی بین‌المللی و گسترش چندفرهنگ‌گرایی هستند. در چنین شرایطی بهتر است دانشگاه‌های ایران همانند دیگر دانشگاه‌های برتر جهان برای یافتن هویتی بین‌المللی، صدور دانش و یافته‌های علمی، تبادلات دانشجویی، برطرف کردن مسائل مالی، افزایش کیفیت آموزشی، انجام تحقیقات مشترک با دانشگاه‌های برتر جهان، برگزاری دوره‌های تحصیلی مشترک با دانشگاه‌های برتر جهان و منطقه، گسترش چندفرهنگ‌گرایی و دلایل دیگر توجه ویژه‌ای به گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی داشته باشند. با عنایت به نکات ذکر شده پژوهش حاضر با هدف شناسایی اسطوره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی شکل دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و با استفاده از روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گروه هدف پژوهش حاضر اسناد و مدارک موجود در این حوزه بود، که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مقالات، کتاب‌ها و اسناد موجود به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها نیز یادداشت برداری و مرور اسناد بود. همچنین برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش اسطوره‌شناسی با تأکید بر مفهوم کهن الگوی یونگ استفاده شد.

یافته‌ها

در سطح اسطوره ما با نوعی باور درونی و احساسات سروکار داریم که بسیار عمیق و اغلب ناخودآگاه هستند. این باورهای عمیق و ناخودآگاه که در پس پرده موضوعات قرار می‌گیرند، به روشنی قابل بیان نیستند و به همین خاطر در قالب اسطوره یا استعاره بیان می‌شوند. سهیل عنایت الله (۱۳۹۸) درباره این سطح می‌نویسد "در این سطح، داستان‌های عمیق و انگاره‌های جمعی، ابعاد ناخودآگاه و اغلب احساسی مساله وجود دارند، این لایه سطح غریزی-احساسی در مورد جهان بینی مورد نظر فراهم می‌سازد. در نتیجه این سطح به قلب به جای خواندن ذهن می‌پردازد. این سطح، ریشه و مبداء طرح پرسش درباره ریشه‌های مسئله است." به عبارت دیگر در این سطح عمیق‌ترین روایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی شکل دهنده به آینده مورد بررسی قرار می‌گیرند این طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی نه در اندیشه بلکه در احساس افراد ریشه دارند. در این سطح زمینه‌های تمدنی شکل دهنده به گذشته، حال و آینده بازنمایی می‌شوند. درک درست از اسطوره‌ها نه تنها لایه‌های عمیق تمدنی شکل دهنده به یک آینده خاص را آشکار می‌کند، بلکه با بررسی عوامل ناخودآگاه و اسطوره‌ها، امکان خلق آینده عقلانی فراهم می‌شود. در این پژوهش برای پاسخ به پرسش اسطوره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی شکل دهنده به گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور کدام‌اند؟ از روش اسطوره‌شناسی با تأکید بر مفهوم کهن الگو در روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ استفاده شده است.

کهن الگو^۱

کهن الگوها در روان انسان به ودیعه گذاشته شده و بارها در طول تاریخ بشر از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته‌اند. این مفاهیم ذهنی که در روان جمعی انسان‌ها و در بخش تاریک ضمیر ناخودآگاه نهفته شده‌اند، زمانی که جامه‌ای از خودآگاهی بر تن ک+۹ نند، به صورت واقعیتی محسوس درمی‌آیند. این مفاهیم و اندیشه‌ها در رؤیایها، تخیلات، افسانه‌ها، تعالیم دینی و ادبیات ظاهر می‌شود. آرکی تایپ یا کهن الگوها مانند زلال و جاری در روح و روان بشری هستند که تنها در ذهن موجودند و نمی‌توانند به بروز و ظهور برسند، مگر اینکه جامه نماد بر تن کنند. در این صورت دیگر از حالت کهن الگویی به صور کهن الگویی مبدل می‌شوند (نجاری، ۱۳۹۶).

به نظر یونگ اساس و شالوده منشها، خصائص و ویژگی‌های اساسی روانی هر فرد را باید در ضمیر ناخودآگاه او جست‌وجو کرد. یونگ بر این باور است که در هر فرد علاوه بر خاطرات شخصی، تصویرهای اصلی و آغازین وجود دارد که از طریق قوه خیال و به صورت موروثی از نسلی به نسل بعدی انتقال داده می‌شود و به عنوان وسیله مناسبی به کار می‌آید، این تخیلات، لایه‌های ژرف ضمیر ناخودآگاه است که در آنها صورت‌های آغازین که میراث بشری به شمار می‌رود، به حالتی خواب‌گونه فرورفته است. صورت اجدادی از آمادگی بالقوه میراث تجسمی بشر تشکیل می‌گردد. یعنی امکانات تجسم و تصویر بشری، به صورت موروثی منتقل می‌شود. این انتقال موروثی بیانگر این واقعیت است که چرا خیلی از افسانه‌ها و موضوعات اساطیری و فولکوریک در سرتاسر جهان یکسانند و به یک شکل تکرار می‌شوند (توانا و آذرکمند، ۱۳۹۵).

یونگ معتقد است که پیش شرط زایش اسطوره ناخودآگاه جمعی است و تجربیات و مضامین کهن‌الگویی در بطن ساختار روان وجود دارند. روایها و تصوراتی وجود دارند که خاستگاه آنها نه ناخودآگاه فردی، بلکه ناخودآگاه تاریخی، قومی و نژادی است. یونگ از این نوع ناخودآگاه مشترک و موروثی به ناخودآگاه جمعی تعبیر کرده است و تصاویر همگانی نهفته در آن را که به صورت اسطوره تجلی می‌یابند و به واسطه زبان، رمز و نماد در آثار هنری بروز می‌یابند، کهن الگو می‌نامد (نجاری، ۱۳۹۶).

یونگ برای ناخودآگاه دو لایه فردی و جمعی در نظر گرفته بود: که لایه فردی به احیای قدیمی‌ترین مضامین دوران کودکی ختم می‌شود و لایه جمعی شامل زمان پیش از کودکی است و مضامین بازمانده از حیات اجدادی است. کهن الگوهای موجود در ضمیر ناخودآگاه جمعی مانند سایه هستند؛ چون از زندگی فردی مایه نگرفته‌اند. وی معتقد است که کهن الگوها حاصل تجربیات ممتد انسانی بوده، پیوسته در حال نو شدن هستند و شکل اسطوره‌ای دارند، یعنی با پرسش‌هایی پیوند دارند که هیچگاه پاسخ کامل و قانع کننده‌ای نمی‌یابند؛ مانند معنای مرگ و زندگی، سرنوشت بشر، راز هبوط، شوق بازگشت به موطن اصلی و غیره (حجتی سعیدی، ۱۳۸۸).

اسطوره

^۱ . archetype

مطابق فرهنگ لغت راندوم هاوس اسطوره عبارت است از یک سلسله باورهای اثبات نشده که بدون نگرش انتقادی پذیرفته شده و برای توجیه یک نهاد اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد. ملت ها و فرهنگ های مختلف از اسطوره و استعاره های متفاوتی برای توصیف خود و جهان استفاده می کنند. بررسی این اسطوره ها و استعاره ها عمیق ترین احساسات و باورهای درونی هر ملت را نشان می دهد. این اسطوره ها و استعاره ها معمولاً به طور ناخودآگاه، جهان بینی ها و گفتمان ها را پدید می آورند و جهت می دهند. هر کس برای بیان عمیق ترین احساسات درونی خود از ادبیات و هنر استفاده می کند. بنابراین ادبیات و هنر هر ملت منبع سرشاری از اسطوره ها و استعاره هاست و برای مطالعه اسطوره ها و استعاره ها باید آثار ادبی بویژه ادبیات کهن و نیز آثار هنری مردم مورد بررسی قرار گیرند. اسطوره ها بخش عظیمی از فرهنگ، باورها و بینش مردمان ایران را تشکیل می دهند. اسطوره های ایرانی از راز آفرینش تا ساده ترین پدیده ها و مسائل را دربرمی گیرند. در جهان اساطیری و بینش اسطوره های ایرانیان باستان، اهورامزدا جهان را آفرید و اهریمن، جهان او را به بدی و زشتی آلوده ساخت؛ به این ترتیب همه موجودات جهان به اهورایی و اهریمنی تقسیم شدند حتی ستارگان نیز به دو دسته تقسیم شدند: یکی اخترانی که حرکتی نامنظم دارند و یا ستارگانی که حرکتی منظم دارند (صادقی، ۱۳۸۸).

کاربست روش کهن الگوی یونگ برای شناسایی اسطوره های شکل دهنده به همکاری های علمی بین المللی

بررسی سابقه تاریخی ایران نشان می دهد که کشور ایران با توجه به داشتن منابع غنی طبیعی و موقعیت استراتژیک منطقه ای همواره مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته و در طول تاریخ با جنگ، خونریزی و غارت توسط بیگانگان مواجه بوده است. از جنگ های ایران با یونان، حمله اعراب، مغول ها، افغانی ها به ایران و حمله پرتغالی ها و انگلیسی ها به ایران گرفته تا جنگ های ایران و عثمانی ها، هجوم روس ها به ایران و جدا کردن بخشی از سرزمین های ایران، همه این جنگ ها و خونریزی و غارت کشور باعث شده است که ذهنیت منفی نسبت به بیگانگان در جامعه کنونی ایران شکل بگیرد. از طرفی دیگر حکومت های دست نشانده خارج از کشور بخصوص در دوران پهلوی نیز در شکل گیری این ذهنیت تأثیر داشته است و در عصر حاضر نیز جنگ تحمیلی عراق به ایران به طمع تصرف بخشی از سرزمین های کشور و تحمیل خسارت های مالی و جانی فراوان به ایران و همچنین تلاش گروه های اپوزیسیون خارج از کشور برای تجزیه تمامیت سرزمینی ایران باعث شده است که همواره ایرانیان در ارتباط با خارج با ذهنیت منفی روبرو شوند و ایده بیگانه هراسی در ذهن ناخودآگاه جامعه ایران و مسئولین اجرایی کشور، دولت مردان و سیاست گذاران و تصمیم گیران نظام شکل گرفته است. همچنین نسبت به برقراری ارتباط با دنیای خارج همواره در میان جامعه سیاسی و فرهنگی ایران دغدغه و حساسیت خاصی وجود داشته است و همواره نسبت به برقراری ارتباط و معاشرت با خارجیان به دیده شک و تردید نگرسته می شود و بسیاری از ناکامی های و مشکلاتی که در محیط داخلی کشور ایجاد می شود را مسئولین به دشمنان خارجی و بیگانگان نسبت می دهند، دلیل آن نیز متوجه ساخته ذهنی ناخودآگاه جامعه در طول تاریخ نسبت به بیگانگان بوده است. اما کشوری که می خواهد رشد و توسعه پیدا کند باید فرهنگ معاشرت با خارج را با حفظ هویت ملی خود یاد بگیرد و راه های ارتباط برقرار کردن با دنیای خارج را با تقویت ذهنیت عمومی جامعه نسبت به مزایای حاصل از معاشرت و ارتباط با دنیای خارج ترمیم نماید.

با عنایت به نکات و دلایل ذکر شده بیگانه‌هراسی یکی از مهم‌ترین اسطوره‌هایی است که در ذهن ناخودآگاه جمعی ایرانیان تجلی پیدا کرده است. بیگانه‌هراسی یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ایران است که پس از انقلاب اسلامی در فرایند سیاست‌گذاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش داشته است. در واقع این مؤلفه به یکباره ساخته نشده است؛ بلکه در بستر تاریخی در ذهن و واقعیت جامعه ایرانی شکل گرفته است. دلایل شکل‌گیری اسطوره بیگانه‌هراسی را با در نظر گرفتن مهم‌ترین عناصر سیاسی یعنی تاریخ، دین و موقعیت جغرافیایی می‌توان به سه قسمت مجزا تقسیم کرد:

دلایل تاریخی شکل‌گیری اسطوره بیگانه‌هراسی و طرح‌واره‌های شکل گرفته در این بخش

در بخش تاریخی حوادث هجوم اعراب در زمان صدر اسلام و ویرانگری‌های مغول موجب تأثیرگذاری عنصر تاریخ در شکل‌گیری اسطوره بیگانه‌هراسی مؤثر بوده‌اند. دلیل تأثیر حوادث تاریخی به این دلیل بوده است که برخی رویدادها و گذشته تلخ ملت ایران از دیرباز تاکنون فراموش نشده است. حمله اعراب به ایران برای گسترش آیین اسلام، فتح شهرهای مهم را به همراه داشت که خصوصیات مردمان بادیه‌نشین عرب بر رفتار جنگی‌شان با سایر ملل تأثیر خود را گذاشته بود، به طوری که در ماجرای فتح تیسفون «تازیان به تیسفون درآمدند و غارت و کشتن پیش گرفتند... از آن قصرهای افسانه آمیز جز ویرانی هیچ بر جای نماندند» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۶۳). این اشارات تاریخی نمونه‌ای از این است که برخورد اعراب چیزی جز تخریب و ویرانی و ایجاد رعب و ترس یا غارت نبوده است. یکی از مقاومت‌های ایرانیان علیه اعراب به جنگ جلولاء مربوط می‌شود در این جنگ ایرانیان شکست سنگینی می‌خورند. عبدالحسین زرین کوب در مورد این جنگ گفته است که: اعراب غنیمت بسیاری بدست آوردند، زنان و دختران زیادی به اسارت گرفته شدند، کشته‌شدگان این جنگ نزدیک صدهزار نفر بوده‌اند. همچنین در جنگ دیگری نیز که مربوط به پیمان شکستن استخر بود، اعراب استخر را اشغال کرده و حدود ۴۰ هزار مرد را کشته و زنان و کودکان آن شهر را به بردگی بردند (گرانوسکی) همچنین اعراب با زبان بومی ایرانیان مخالفت کرده و کتاب‌ها و کتابخانه‌های ایران را نیز به آتش کشیدند. زیر آنها را مانعی برای تسلط و استیلای خود می‌دیدند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۸). یکی دیگر از جنگ‌هایی که اثرات منفی زیادی بر جامعه ایران گذاشته مربوط به حمله مغولان به ایران است. که بسیاری از تاریخ‌نگاران استیلای مغولان بر ایران را از فاجعه‌انگیزترین رویدادهای تاریخ برمی‌شمارند. در این مورد یکی از تاریخ‌نگاران به نام ابن اثیر می‌نویسد: «از زمانی که خداوند تبارک و تعالی انسان را آفرید تا به امروز نظیر چنین واقعه‌ای روی نداده است». جوینی، که تاریخ‌نگار طرفدار مغولان بود، درباره قتل عام‌هایی که بر دست سردارن چنگیزخان صورت گرفته می‌نویسد "هر کجا که صدهزار خلق بود،... صد کس نماند» (خلیلی، ۱۳۹۶).

پس از این اتفاقات ناگوار طرح‌واره‌های "خود و دیگری" که در آیین‌های ایرانی بود، نمود عینی پیدا کرد و ایرانیان "خود" را در مقابل "دیگری" دیدند که با آنان بد رفتاری داشته و سرزمینشان را مورد تاخت و تاز قرار داده و همه چیز را نابود کرده است. از این رو دلایل محکمی برای شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی با عنوان "دیگری" به صورت ظالم و با خصوصیات چو، قسی القلب، وحشی، به دور از تمدن، تحقیرکننده، ویرانگر و غیر در ذهن و روان ایرانیان وجود دارد که جزوی از باورهای آنان شد که انیرانی همیشه بد و اهریمن است.

در نتیجه حمله اعراب به ایران و نحوه برخورد با ایرانیان هنگام مقاومت، غارت شهرها، و کشتار مردان و زنان تصویرسازی "خود" و "دیگری" (ایرانی و انیرانی) که در ذهن ایرانیان رسوخ کرده بود در تعامل با یکدیگر و بر اساس واقعیات تاریخ، رنگ و واقعیت به خود گرفت و دارای طرح‌واره‌هایی شد. از نظر ایرانیان، اعراب بادیه‌نشین؛ غارتگر، تطاول‌گر، حریص، مادی‌گرا، خودبزرگ-بین، کینه‌جو، انتقام‌جو، چپاول‌گر، ویرانگر، وحشی و غیره است و طرح‌واره‌های ایرانیان از خود: مقاومت‌کننده، مبارز، حق‌طلب، تسلیم‌ناپذیر، خون‌خواه و غیره است.

بعد از حمله مغول و به دنبال آن ویرانی‌های عظیم و کشتارهای دسته جمعی حاصل از این حمله طرح‌واره‌های شکل گرفته در ناخودآگاه ذهنی جامعه ایرانی از مغول عبارت است از: انحطاط‌گر، قتل‌عام‌کننده، بی‌رحم، دارای قساوت قلب، ویرانگر، دزد، هراس‌انگیز، تجاوزگر و غیره و طرح‌واره مخصوص به خود: ظلم‌ستیز، قیام‌کننده و آزادی‌بخشی بود.

دلایل دینی شکل‌گیری اسطوره بیگانه‌هراسی و طرح‌واره‌های شکل گرفته در این بخش

بخش دوم مربوط به دین است که این بعد از زمان سلسله صفوی اهمیت بیشتری می‌یابد به طوری که اثرات آن تا دوره پهلوی‌ها و حتی سیاست‌های دین‌ستیزانه آنان ادامه دارد و زنده مانده است. در دوره صفوی به علت اهمیت عنصر دین بر مناسبات کشورها از جمله ایران و عثمانی اخلافات رنگ و بوی مذهبی به خود گرفت. در این زمان "دیگری" سلسله عثمانی است و ایرانیان خود را در مقابل آنان با تفاوت مذهبی تعریف کردند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). طرح‌واره‌های شکل گرفته در ناخودآگاه ذهنی جامعه ایرانی در این بخش عبارت است از: طرح‌واره ایرانیان از خود شیعه به معنای پیروان حضرت علی (ع) و طرح‌واره عثمانیان؛ ایجادکننده ناامنی، طمع‌کار، سنی و غارتگر است. طرح‌واره عثمانیان نیز نسبت به ایرانیان عبارت بود از شیعیان رافضی و کفار.

دلایل موقعیت جغرافیایی شکل‌گیری اسطوره بیگانه‌هراسی و طرح‌واره‌های شکل گرفته در این بخش

عنصر موقعیت جغرافیایی ایران از زمان قاجار به بعد اهمیت پیدا کرده است. از این زمان به بعد غربیان در پی منافع استعماری خود متوجه اهمیت جایگاه ژئوپولیتیک ایران می‌شوند و سعی در تصرف سرزمین‌های ایران داشته‌اند. ایرانیان در طول تاریخ همواره مورد تجاوز و تهاجم بیگانگان گرفته‌اند که آخرین مورد آن نیز جنگ تحمیلی عراق بود.

در دوره قاجار به دلیل ضعف و بی‌لیاقتی پادشاهان ایرانی، حضور و نفوذ بیگانگان در امور داخلی از جمله عرصه سیاست و حکومت‌داری بیشتر بوده است. در این دوره، روس و انگلیس در قالب سیاست‌های استعماری، با روش‌های مختلف، ایران را تحت سیطره خود داشتند. این نفوذ به حدی بود که در عهدنامه ترکمنچای کاپیتولاسیون روسی برقرار شد. قراردادهای ننگینی منعقد شد که امتیازات آن استقلال ایران را زیر سؤال می‌برد. همچنین در این دوره با تزویر و طمع‌کاری و زورگویی آشکا انگلیس، هرات برای همیشه از ایران جدا شد. طرح‌واره‌های مردم ایران از پادشاهان خود در این زمان؛ خوش‌گذران، بی‌لیاقت، راحت‌طلب و طرح‌واره دیگری یا همان روس و انگلیس، اجنبی‌خبیث، تزویرگر، طمع‌کار، مگار، حيله‌گر و غیره است (خلیلی، ۱۳۹۶).

هرج و مرج ناشی از ضعف پادشاهان قاجار موجب روی کار آمدن رضاخان توسط انگلیس شد. در این دوره نیز نفوذ بیگانگان به ویژه انگلیس در ایران بیشتر شده بود. رضاخان با سرکوب قشر مذهبی به خصوص روحانیون درصدد تضعیف آنان برآمد. وی ساست دین زدایی را که مانع پیشرفت ایران می دانست در پیش گرفت، سرکوب و استبداد تنها در بعد مذهب باقی نماند؛ بلکه کم کم به رسانه و مطبوعات و هر شخص که منتقد بود سرایت یافت. از این رو طرح واره، مستبد، دیکتاتور و وابسته به انگلیس در ذهن جامعه ایرانی شکل گرفت. دید منفی به بیگانگان در جامعه بین اقشار مختلف مردم در این دوره نیز به طور عمیقی وجود داشت و طرح واره های قبلی دوره قاجار به این دوره نیز سرایت کرده بود. دوره پهلوی دوم که با جانشینی محمدرضا در سال ۱۳۲۱ آغاز و تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه داشت. در این دوره نیز مجدد حق کاپیتولاسیون برای آمریکا صادر شد که اعتراض اقشار مختلف مردم از جمله امام خمینی (ره) را در برداشت. قیام ۱۴۵ خرداد و ۱۷ شهریور مهم ترین قیام های این دوره در اعتراض به وضع موجود و روح استبداد و استعمار بود. نماد سرکوب و استبداد را می توان تشکیل ساواک و کودتای ۲۸ مرداد را نشانه توطئه چینی های بیگانگان یعنی طرح انگلیس و اجرای آمریکایی دانست. طرح واره های شکل گرفته در بین ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی از این دوره: در مورد شاه؛ خائن، قاتل، دیکتاتور و غیره است همچنین طرح واره شکل گرفته در مورد بیگانگان عبارتند از: استعمارگر، استثمارکننده، خبیث، غارتگر، ظالم، اجنبی.

توهم توطئه

یکی از مشکلاتی که در زمینه برقراری تعامل و ارتباط با خارج از کشور در ایران همواره در بین سیاست گذاران و دولت مردان کشور وجود داشته "توهم توطئه" بوده است. توهم توطئه از نظر شالوده فکری یا ساختار ذهنی بر ثنویت استوار است. یعنی بخش کردن جهان به دو بخش نیک و بد؛ جهانی خودی (مثلاً ایران) که نیکو سرشت و یزدانی است و جهان بیگانه (مثلاً انیران) که تبهکار و اهریمنی است. جهان شر (مثلاً استکبار جهانی) که بسیار پرتوان و نیرومند است، سیر حوادث تاریخ را به سود خویش می گرداند و نیروهای یزدانی (مثلاً مستضعفان) را قربانی منافع تبهکارانه خویش می سازد. ایمان به توهم توطئه نیز از نظر پیامدها، یا کارکردهای روانی و اجتماعی، برای کسانی که به آن اعتقاد دارند، آرامش خاطر می آورد و همچون ساز و کارهای دفاعی روانی این فرصت را می دهد تا از خود رفع مسئولیت کنند و همه تقصیرها را به گردن توطئه بیگانگان بیندازند، مثلاً عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نابسامانی اقتصادی و سقوط ارزش پول را به توطئه بیگانگان نسبت دهند تا از خود رفع مسئولیت کنند. اما توهم توطئه و بیگانه ستیزی در ایران را می توان در دو مقوله کلی تقسیم کرد: یکی توهم توطئه روس، انگلیس و آمریکا در دوران معاصر و دیگر توطئه دشمنان تاریخی ایران، که از هنگام تأسیس این کشور به دست ایرج، نخستین پادشاه افسانه ای ایران زمین، تا به امروز برای خوار کردن آن دسینه چینی می کنند (اشرف احمد، همایون کاتوزیان، آبراهامیان، ۱۳۸۲).

در مورد توهم توطئه در ایران پژوهش ها و کتاب های مختلفی نوشته است و صاحب نظران این حوزه نیز بر وجود این امر تأکید کرده اند. زیبا کلام معتقد است: سرزمینی که شمالش دائماً مورد تاخت و تاز ارتش روسیه بود و جنوبش در دست انگلیسی ها و غریب در تصرف نیروهای عثمانی بود؛ سرزمینی که دائماً بیگانگان در امورش دخالت می کردند؛ این جامعه آرام آرام به یک نیروی خارجی مافوق اراده مردم معتقد می شود. واقعیت همین است که نفوذ انگلیس، روسیه و بعدها آمریکا در ایران سرنوشت ساز بوده است. به این ترتیب، ما دارای این حافظه تاریخی شدیم که بیگانگان در امور ما دخالت می کنند و این عوامل را باید در جا

افتادن تئوری توطئه، در ضمیر مردم بسیار مؤثر دانست (عطارپور، ۱۳۷۸: ص ۲۹). اما مهدی بازرگان در اثر خود با عنوان بازیابی ارزش‌ها به این مورد پرداخته است و این‌گونه بیان می‌کند که ایرانیان همواره در مسائل مختلف مملکتی خود را بی‌مسئولیت دانسته و همواره عامل اصلی مصائب، مشکلات و گرفتاری‌های خود را به بیگانگان منتسب می‌نمایند. از این منظر، با پیدایش ترس و سوءظن دائمی نسبت به توطئه بیگانگان، فعالیت‌های مثبت در جامعه دچار اختلال شده، مردم و مقامات مسئول در جامعه همانند مالیخولیایی وحشت‌زده، هرگونه کاستی، اختلاف‌نظر موجود در کشور را ناشی از شیخ قدرت‌های بیگانه و یا نتیجه تحریک، دسیسه و مزدوری آنان می‌دانند. در چنین شرایطی، اتهام خیانت، عامل اجنبی و خائن تلقی کردن دیگران، جزئی از فرهنگ سیاسی جامعه شده که نتیجه قهری آن، از بین رفتن وحدت و حاکمیت ملی ایران بوده است (بازرگان، ۱۳۶۴: ص ۹۸).

نگاهی به دخالت قدرت‌های سلطه‌گر روس، انگلیس و امریکا در امور ایران و آسیب‌پذیری ایران از تدابیر و نقشه‌های پنهان و آشکار این قدرت‌ها در رقابت بر سر ایران، به‌ویژه در دو قرن اخیر تحولات سیاسی معاصر کشور، خود به نوعی ذهنیت توهم توطئه دائمی بیگانگان برای ضربه زدن به کشور را در میان دولتمردان و توده مردم، تشدید نموده است. این ذهنیت سبب شده تا ایرانیان آگاهانه یا ناخودآگاه در ورای هر حادثه نامطلوب سیاسی-اجتماعی، بلافاصله یک توطئه خیالی یا واقعی را که از ناحیه نیروهای خارجی یا قدرت‌های جهانی پایه‌ریزی و هدایت می‌شود، تصور و فرض نمایند. به دلیل تداوم بلندمدت احساس خطر نسبت به مداخله و توطئه دائمی بیگانگان، این ذهنیت در شکل فرهنگ عمومی و سپس باور سیاسی در بطن جامعه ایرانی نهادینه شده و به معیاری برای سنجش قضاوت آنان نسبت به ارزیابی مسائل و مشکلات درونی جامعه ایران و انتساب آن به نیروهای خارجی تبدیل شده است (صادقی، ۱۳۸۸).

از منظر تبارشناسی پژوهشگران معتقدند که ردپای شکل‌گیری بینش توهم توطئه و بیگانه‌هراسی در ایران معاصر را باید در جهان اساطیری نشأت گرفته از ساخت ذهنی مردمان این سرزمین، جستجو نمود؛ یعنی در جهان‌بینی دوگانه‌نگر ایرانی و انیرانی و دسیسه-های بزرگ نیروهای اهریمنی، برای تضعیف نیروهای یزدانی که در هر زمان به رنگی و نیرنگی ظاهر می‌شوند. زمانی در چهره "سلم و تور" نمایان می‌شوند و "ایرج" مؤسس ایرانشهر را از میان برمی‌دارند؛ زمانی دیگر به صورت اسکندر نمایان می‌شوند و ایران را به ورطه نابودی می‌کشاند، زمانی دیگر در هیکل مانوی‌ها ظاهر می‌شوند و با دستکاری در گاهشماری و تاریخ، نظم جهان را بر هم می‌زنند و اعراب بادیه‌نشین و مغولان صحراگرد را به تسخیر ایران رهنمون می‌سازند. در تاریخ معاصر نیز در چهره غربی ظاهر می‌شوند تا فرهنگ اصیل ایرانی و تمام هستی و کیان این سرزمین را از بین برند و بزداوند (صادقی، ۱۳۸۸)، به نقل از حسینی مقدم، ۱۳۹۳).

از طرفی دیگر یک نوع خودبرتربینی نسبت به همسایگان کشور به‌ویژه در مورد اعراب و افغان‌ها در ذهنیت جامعه ایرانی شکل گرفته است و در جامعه کنونی کشور یک نوع غرب‌زدگی شکل گرفته که این امر نیز دانشگاه‌های کشور را از همکاری با دانشگاه‌های کشورهای منطقه بی‌بهره گذاشته است. و تصور بسیاری از مردم و جامعه علمی کشور از غرب یک مدینه فاضله است. و سیل عظیمی از جامعه دانشگاهی کشور علاقمند به مهاجرت و همکاری با کشورهای غربی هستند. بنابراین این امر باعث شده است که دانشگاه‌های کشور از ظرفیت و پتانسل همکاری با دانشگاه‌های کشورهای منطقه غافل باشند. علیرغم اینکه بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷ شعار نه غربی و نه شرقی سر داده‌ایم باز هم نگاه به غرب در بینش جامعه علمی کشور قویتر است و بسیاری

از دانشگاه‌ها و جامعه علمی کشور همکاری علمی با کشورهای غربی را به همکاری با کشورهای منطقه علیرغم تمامی مشکلات ناشی از تحریم، مسائل سیاسی و اقتصادی ترجیح می‌دهند. در حالی که ماهیت علم نشان می‌دهد که علم محدود به جغرافیای خاصی نیست.

اما تصور دیگری در ناخودآگاه ذهنیت جامعه ایرانی نقش بسته این است که وجود خارجی‌ها در کشور به منزله گرفتن جای فرزندان آنها در مشاغل، دانشگاه‌ها و غیره است، این امر به خوبی در مورد حضور افغانی‌ها در کشور مشاهده می‌شود. در واقع این نوع نگرش و تفکری که در ذهن ناخودآگاه جامعه وجود دارد باعث شده است که همواره در جامعه بسیاری از قومیت‌ها و نژادها مورد تمسخر قرار گرفته شود و این تصور نیز کاهش دانشجویان بین‌المللی احتمالی از کشورهای منطقه را در دانشگاه‌های کشور به همراه داشته است. زیرا بسیاری از دانشجویان بین‌المللی حاضر در ایران از کشورهای همسایه بویژه افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند. در حالی که امروزه جذب دانشجوی بین‌المللی در الویت بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا برای تأمین بخشی از هزینه‌های دانشگاه‌ها قرار گرفته است. و بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با فراهم کردن بستر و زمینه‌های فرهنگی و پذیرش تنوع فرهنگی در جامعه، شرایط لازم را برای جذب نخبگان از کشورهای دیگر بویژه از کشورهای کمتر توسعه‌یافته فراهم کرده‌اند.

در تأیید یافته‌های این بخش از پژوهش با استناد به بررسی وضعیت موجود دانشگاه‌های کشور، نیز می‌توان این نکات را به خوبی مشاهده کرد. هر چند از کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، یمن و از کشورهای مسلمان همسایه به عنوان کشورهای هدف در حوزه توسعه، همکاری علمی بین‌المللی در سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یاد شده است اما داده‌ها و بررسی‌های حاصل از وضعیت موجود نشان می‌دهد که این امر عملاً در اجرا چنین نبوده است و منشاء این امر را می‌توان به همان تصورات ناخودآگاه ذهنی پژوهشگران و مسئولین دانشگاه‌های داخلی نسبت به همسایگان داد. به عنوان نمونه در گزارش ارزیابی فعالیت‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۹۷ که توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه شده مستندات نشان می‌دهد که از تعداد ۲۴۷ پروژه مشترک جاری نظام‌مند بین محققان اعضای هیأت علمی ایرانی و محققان خارجی فقط ۱۸ پروژه با کشور پاکستان بوده و بجز آن هیچ پروژه‌ای با کشورهای هدف توسعه همکاری وزارت علوم یعنی کشورهای همسایه و مسلمان انجام نشده است و یا از ۵۰ دوره مشترک تحصیلی بین دانشگاه‌های کشور ایران و خارجی فقط یک مورد بین دانشگاه اصفهان و یکی از دانشگاه‌های لبنانی بوده است. و در بین ده کشور مقصد اعضای هیأت علمی برای حضور در سمینارها فقط یک کشور همسایه یعنی ترکیه مشاهده می‌شود. این شواهد نشان می‌دهد که تصورات منفی شکل گرفته نسبت به همسایگان باعث شده است که دانشگاه‌های کشور از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در دانشگاه‌های کشورهای منطقه غافل مانده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی اسطوره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی شکل‌دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور با روش اسطوره‌شناسی با تأکید بر مفهوم کهن الگو در روانشناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ انجام شده است. کاربست روش کهن الگوی یونگ برای شناسایی اسطوره‌های شکل‌دهنده به همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی کشور حاکی از آن است که بیگانه‌هراسی یکی از مهم‌ترین اسطوره‌هایی است که در ذهن ناخودآگاه جمعی ایرانیان تجلی پیدا

کرده است. یکی دیگر از مشکلات که در زمینه برقراری تعامل و ارتباط با خارج از کشور در ایران همواره در بین سیاست گذاران و دولت مردان کشور وجود داشته "توهم توطئه" بوده است. در تبیین نتایج این بخش از پژوهش می توان گفت که بیگانه هراسی همواره در تعاملات بین المللی ایران بوده است و سیاست گذاران و دولت مردان ایرانی همواره در ارتباط با جهان خارج به دیده شک نگریده اند و همواره نوعی بی اعتمادی به جهان خارج وجود داشته است. که این بی اعتمادی در تفکر و ناخود آگاه جامعه ایرانی تعاملات بین المللی در دانشگاه های دولتی کشور را نیز تا حدی تحت تأثیر قرار داده است.

یکی از راه های مهم رشد و توسعه، یک کشور، معاشرت با جهان خارج است، که در طول این معاشرت کشورها به ضعف های درونی خود پی می برند و در عین حال به محاسن و معایب فرهنگ ها و نظام های اجتماعی دیگر نیز آگاه می شوند. هنر معاشرت میان ملتی مفروضات قابل توجهی را در خود مستتر دارد و آن این است که در روح و تاریخ یک ملت، باید "قوه اعتماد به نفس"، قوی باشد؛ تا آنکه از بین المللی شدن و مواجهه با جهان خارج نهراسد و در عین حال ویژگی های مثبت هویت خود را نیز حفظ نماید. مطالعه تاریخ معاصر ایران بویژه بعد از انقلاب اسلامی نشان می دهد که ایرانیان در عرصه هنر معاشرت میان ملتی، نتوانسته اند چنین قوه اعتماد به نفسی را برای مواجهه با جهان خارج در خود ایجاد کنند. ریشه های این مسئله را می توان در دو بخش جست و جو کرد. بخش اول را می توان در نوع بینش و نگرش ملت ایران نسبت به جهان و جدال خیر و شر دانست و بخش دوم نیز حاصل تجارب تلخ ایرانیان از مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشور در طول تاریخ است، بخش دوم یعنی مداخلات بیگانگان در امور داخلی ایرانیان بیشتر حافظه تاریخی ملت ایران را به خود مشغول داشته است.

با عنایت به یافته های پژوهش و بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش بین المللی شدن آموزش عالی در کشورها در درجه اول به ارتباط سازنده، تعامل و همکاری علمی پویا و سازنده با جهان خارج نیاز دارد. بنابراین عوامل ذکر شده ناشی از نگرش منفی به جهان خارج و بیگانه هراسی، نقش تعیین کننده ای در مسیر همکاری های علمی بین المللی دانشگاه های کشور داشته است. در حالی که در ذهن ناخود آگاه تصمیم گیران سیاسی کشور بر سر این موضع سر ناسازگاری وجود دارد و این ذهنیت منفی در گسترش همکاری های علمی بین المللی دانشگاه های کشور نقش منفی داشته است. به عنوان مثال ۵ سال پیش مصوبه ای در شورای عالی امنیت ملی کشور برای ممنوعیت همکاری رسمی علمی با کشورهای آمریکا، انگلیس و کانادا تصویب شد که در این مصوبه این سه کشور به عنوان کشورهای متخاصم نامیده شده اند. این به این معنا است که هیچ همکاری رسمی نهادی میان مراکز آموزش عالی ایران و این کشورها امکان پذیر نیست. هر چند پژوهشگران می توانند به صورت فردی با پژوهشگران این کشورها همکاری نمایند ولی این همکاری مطابق این مصوبه نایستی به سطح نهادی و رسمی برسد. این از نگاه بسیاری از فعالان آموزش عالی کشور یک خود تحریمی بزرگ است چون این سه کشور در مجموع بیش از نیمی از تولیدات علمی برجسته جهان را دارا هستند. و بسیاری از دانشگاه های معتبر دنیا در این سه کشور مستقر هستند. و این امر نشانگر این است که دانشگاه های کشور از مزایای ناشی از همکاری رسمی با تعداد زیادی از دانشگاه های معتبر دنیا محروم هستند. که این امر خود نقش تأثیر گذاری در تضعیف همکاری های علمی بین المللی دانشگاه های کشور داشته است.

منابع

اسدی، میثم؛ خلخالی، سید محی الدین؛ قربانی، داود. (۱۳۹۴). واکاوی روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه با تکیه بر قرار دادهای تاریخی ۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ش. فصلنامه تاریخ نو، ۲(۱۲)، ۱-۲۲.

اشرف، احمد؛ همایون کاتوزیان، محمدعلی؛ آبراهامیان، پروانه. (۱۳۸۲). جستارهایی درباره توهم توطئه در ایران. گردآوری و ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.

بازرگان، مهدی. (۱۳۶۴). بازیابی ارزش ها. تهران: نراقی.

توانا، محمدعلی؛ آذرکمند، فرزاد. (۱۳۹۵). کهن الگوها و اسطوره های سیاسی عصر مدرن: بر اساس چارچوب نظری کارل گوستاو یونگ. دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش سیاست نظری، شماره ۵(۱۹)، ۱-۲۷.

حجتی سعیدی، منیره. (۱۳۸۸). نمادشناسی حاکمیت عنصر بیگانه بر قوم ایرانی در نگاره هایی از شاهنامه شاه تهماسب با تکیه بر آراء کارل گوستاو یونگ. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۹(۳۸)، ۷۷-۸۶.

حسینی مقدم، محمد. (۱۳۹۳). بین المللی شدن آموزش عالی و آینده دانشگاه در ایران در افق ۱۴۰۴. رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته آینده پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

خلیلی، زهرا. (۱۳۹۶). نقش و جایگاه فرهنگ سیاسی در فرآیند سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران (بعد از انقلاب ۱۳۵۷). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۹۵). آموزش عالی بین المللی: استراتژی ها و شرایط امکان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رضیانی، عباس؛ قهرمانی، محمد؛ پرداختچی، محمدحسن؛ ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت موجود و تدوین الگوی راهبردی همکاری-های علمی بین المللی دانشگاه های برتر ایران. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۷(۲۶)، ۳۱۹-۳۴۹.

زارع بنادکوکي، محمدرضا. (۱۳۹۸). همکاری های بین المللی پژوهشگران ایرانی در انتشار مقالات علمی: مطالعه موردی رشته مهندسی صنایع. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری، ۹(۳۳)، ۱۴۹-۱۶۹.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). دو قرن سکوت: سرگذشت حوادث و اوضاع تاریخی ایران در دو قرن اول اسلام از جمله عرب تا ظهور دولت طاهریان. تهران: انتشارات سخن.

سهیل عنایت الله. (۱۳۹۸). تحلیل لایه لایه ای علت ها، جلد اول. ترجمه: مسعود منزوی. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

صادقی، سید شمس الدین. (۱۳۸۸). درآمدی بر علل بیگانگه‌هراسی و بیگانگه‌ستیزی در فرهنگ سیاسی ایران معاصر. پژوهش نامه علوم سیاسی، ۴(۴)، ۱۴۷-۱۷۴.

عطارپور، اردلان. (۱۳۷۸). توهم توطئه گفت و گو با دکتر زیبا کلام پیرامون علل تاریخی عقب ماندگی در ایران. تهران: انتشارات خجسته.

نجاری، محمد. (۱۳۹۶). نقد اسطوره ای زرین قبانامه بر مبنای نظریه یونگ. رساله جهت اخذ درجه دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

Aarons, G. A., Seijo, C., Green, A. E., Moullin, J. C., Hasson, H., von Thiele Schwarz, U., ... & Willging, C. (2019). Fostering international collaboration in implementation science and research: a concept mapping exploratory study. *BMC research notes*, 12(1), 1-6.

Altbach, P., & de Wit, H. (2020). Rethinking the relevance of international branch campuses. *International Higher Education*, 101(Spring), 14-16.

- Brandenburg, U., H. de Wit, E. Jones, B. Leask, and A. Drobner. (2020). Internationalization in Higher Education for Society (IHES), Concept, Current Research and Examples of Good Practice (DAAD Studies). Bonn: DAAD.
- Chou, C. P., & Ching, G. S. (2020). Evolving international academic exchanges: The shifting cross-strait university practices between Taiwan and China. *International Journal of Research*, 9(4), 1-9.
- de Wit, H., & Altbach, P. G. (2021). Internationalization in higher education: global trends and recommendations for its future. *Policy Reviews in Higher Education*, 5(1), 28-46.
- Hoekman, J., Scherngell, T., Frenken, K., & Tijssen, R. (2013). Acquisition of European research funds and its effect on international scientific collaboration. *Journal of economic geography*, 13(1), 23-52.
- Hwang, K. (2013). Effects of the language barrier on processes and performance of international scientific collaboration, collaborators' participation, organizational integrity, and interorganizational relationships. *Science Communication*, 35(1), 3-31.
- Matthews, K. R., Yang, E., Lewis, S. W., Vaidyanathan, B. R., & Gorman, M. (2020). International scientific collaborative activities and barriers to them in eight societies. *Accountability in Research*, 27(8), 477-495.
- Maudarbekova, B., & Kashkinbayeva, Z. (2014). Internationalization of higher education in Kazakhstan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116(21), 4-092.
- NSB, NSF. (2019). Publication Output: U.S. Trends and International Comparisons. In *Science and Engineering Indicators 2020*. Alexandria, VA: NSF.
- NSB, NSF. (2020). "Global R&D." In *Science and Engineering Indicators 2020: The State of U.S. Science and Engineering*. Alexandria, VA: NSF.
- Rosyidah, N. (2020). Internationalization in Higher Education: University's Effective Promotion Strategies in Building International Trust. *European Journal of Educational Research*, 9(1), 351-361.
- See, M. (2019). 18 International collaboration: Are the challenges worth the benefits?. *Journal of Animal Science*, 96(suppl_3), 2-2.
- Ward, W. S., & Southwell, A. F. (2021). Intercultural Relations in International Agricultural Research Teams: Perceived Issues Influencing Communication Effectiveness. *Journal of Intercultural Communication Research*, 50(2), 122-145.
- Widmer, R. J., Widmer, J. M., & Lerman, A. (2015). International collaboration: promises and challenges. *Rambam Maimonides Medical Journal*, 6(2).
- Wöhlert, R. (2020). Communication in international collaborative research teams. A review of the state of the art and open research questions. *SCM Studies in Communication and Media*, 9(2), 151-217.

